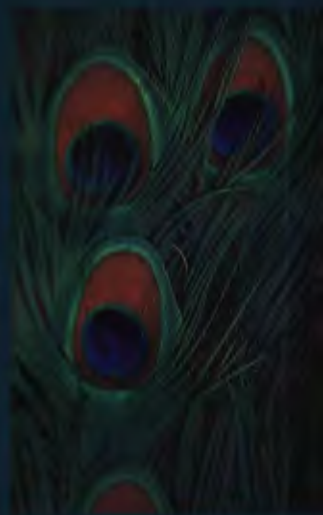


دین ملک طاووس

یزیدی‌ها و جهان معنوی آنها



گارنیک آساطوریان - ویکتوریا آراکلوا

ترجمه آرش طهماسبی

دین ملک طاووس یزیدی‌ها و جهان معنوی آنها

پروفسور گارنیک آساطوریان
دکتر ویکتوریا آراکلوا

ترجمه آرش طهماسبی
ویراستار: دکتر پیمان متین



سخن ناشر

دربارهٔ یزیدی‌ها آثار دقیق و مستند چندانی به زبان فارسی وجود ندارد و همین امر سبب شده تا دربارهٔ آنها پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌های ناآگاهانه و درآمیخته با سوء تعبیر صورت بگیرد. این وضعیت را فقط با انتشار آثار موجه و دقیق علمی که بر اساس داده‌های میدانی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای گردآمده باشند، می‌توان تغییر داد. کتاب حاضر تلاشی است محققانه در جهت شناخت همه‌جانبهٔ این قوم از دیدگاه تاریخی-جغرافیایی، زبان‌شناسی و دینی-فرهنگی. تا زمانی که مطالعات معتبر دانشگاهی دربارهٔ یزیدی‌ها صورت نگرفته باشد، دانسته‌های ما مبتنی بر گمانه‌زنی و تفسیر و تعبیرهای سوگیری شده و مخدوش است. از این‌رو اثر حاضر به بازشناسی هویت تاریخی و فرهنگی آنها می‌پردازد و نقاط تلاقی و اشتراک فرهنگی میان ما و آنها را نشان می‌دهد و از طریق بازنمایی جهان‌بینی آنها فرهنگ کمتر شناخته‌شدهٔ یزیدی و زمینه‌های تاریخی موجد آن را بیان می‌کند. لازم به توضیح است که همچون هر مطالعهٔ علمی، این کتاب و

انتشار آن به زبان فارسی فقط برای آشکار کردن هویت فرهنگی و ناگفته‌های علمی پیرامون یزیدی‌ها می‌باشد. انتشارات فراهمه در راستای اهداف مشخص مردم‌شناسی و فولکلور و در زمینه پژوهش‌های قوم‌شناسی به انتشار این کتاب اقدام کرده است و از شائبه تبلیغ یا ترغیب به هرگونه جهان‌بینی خود را مبرا می‌داند.

انسان شناسی دین



انتشارات فرهامه
مؤسسه عصر انسان شناسی ایرانیان

سرشناسه: آساطوریان، گارنیک، ۱۳۳۲ -

عنوان و نام پدیدآور: دین ملک طاووس، یزیدی‌ها و جهان معنوی آنها/ گارنیک آساطوریان؛ ویکتوریا آراکلوا. ترجمه
آرش طهماسبی.

مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۲۱ ص:، ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س.م

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۴-۰۹-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: عنوان اصلی: The Religion of the Peacock Angel: The Yezidis and their Spirit World

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: یزیدیه.

موضوع: Yezidis

موضوع: دین.

موضوع: Religion

شناسه افزوده: آراکلوا، ویکتوریا، ۱۹۶۸ - م

شناسه افزوده: Arakelova, Victoria

شناسه افزوده: طهماسبی، آرش، ۱۳۵۵ -، مترجم

شناسه افزوده: متین، پیمان، ۱۳۴۶ -، ویراستار

رده‌بندی کنگره: BL۱۵۹۵/۵م۴ ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۲۹۹/۱۵۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۵۹۸۰۵۱

دین ملک طاووس
یزیدی‌ها و جهان معنوی آنها

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Asatrian, Garnik S. and Victoria Arakelova (2014) *The Religion of the Peacock Angel: The Yezidis and their Spirit World*, Durham: Acumen Publishing Limited.



www.farhameh.ir

farhameh@gmail.com

۸۸۴۳۶۲۹ - ۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱

دین ملک طاووس

یزیدی‌ها و جهان معنوی آنها

© حق چاپ: ۱۳۹۷، فرهامه

نوبت چاپ: اول

نویسندگان: پروفیسور گارنیک آساطوریان؛ دکتر ویکتوریا آراکلو

مترجم: آرش طهماسی

ویراستار: دکتر پیمان متین

نسخه‌پرداز و نمایه: رویا ابراهیمی

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

شمارگان: ۳۰۰ جلد

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

پیش‌گفتار

مردمانی که به نام یزیدی‌ها (به کردی: ایزدی)^۱ شناخته می‌شوند، در پهنهٔ جغرافیایی وسیعی از شمال عراق و سوریه گرفته تا شرق ترکیه، ارمنستان و گرجستان گسترده شده‌اند و معمولاً یک‌جانشین هستند، گرچه به قبایل کوچ‌رو متعددی هم تقسیم شده‌اند. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، یزیدی‌ها امروزه در ناحیهٔ شیخان عراق، شمال غرب موصل، و جبل سنجار (چیه سنگاله)، غرب موصل؛ در سیروج، بیرجک، کیس، آفرین، عامودا، قمیشلی در سوریه؛ در ایروان و نواحی آراگاتسوتن، آرتاشات و تالین^۲ در ارمنستان، در تفلیس گرجستان؛ در سرزمین کراسنودار^۳ و برخی نواحی دیگر در روسیه؛ در اروپای غربی، مشخصاً آلمان. تقریباً تمامی جمعیت یزیدی ترکیه که پیش از این در اقامتگاه‌های کوچک و محدود در مراکز روستایی طورعبدین، نصیبین،

1. *Êzdi*

2. Aragatsotn, Artashat, Talin

۳. Krasnodarskij: یکی از استان‌های کشور روسیه که به همراه پنج واحد فدرال دیگر اطراف آن

تشکیل ناحیهٔ فدرالی جنوبی را داده‌اند - م.

دیاربکر، موش، ساسون، بتلیس، و کرانه بالادست رود فرات زندگی می‌کردند، به سوریه یا آلمان و سایر کشورهای اروپای غربی مهاجرت کردند. ظهور جوامع یزیدی در روسیه نتیجه مهاجرت اقتصادی از ارمنستان و گرجستان در دهه ۱۹۹۰، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و آغاز بحرانی‌ترین شرایط اقتصادی جمهوری‌های تازه استقلال یافته نواحی ماورای قفقاز بود.

جمعیت کل یزیدی‌ها را فقط می‌توان تخمین زد. در عراق حدود ۲۰۰ هزار نفر، در سوریه ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر، ارمنستان ۴۵ تا ۵۰ هزار نفر، گرجستان ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر، روسیه ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر، اروپای غربی ۴۵ تا ۵۰ هزار نفر؛ در کل چیزی بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار نفر. یزیدی‌ها با نوع خاصی از گویش کردی شمالی (کُرمَاجی) صحبت می‌کنند که خودشان آن را یزدکی (ēzdikī) یعنی زبان یزیدی می‌نامند. از لحاظ دینی، یزیدی‌ها محصول محیط غیرجزمی^۱ خاور نزدیک هستند. عمیقاً ریشه در شکلی از تصوف دارند، اما عناصر متعددی از مسیحیت، مکتب گنوسی، آیین‌های کافرکیشی (پاگانیسم) محلی و غیره را نیز در خود گرد آورده‌اند. به علت ویژگی منحصر به فرد مذهب‌شان غالباً به‌طور سنتی کافرکیش (پاگان)، مرتد یا شیطان‌پرست محسوب می‌شوند و از این رو قرن‌ها هدف تعقیب و آزار از سوی جوامع افراطی مسمان منطقه بوده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد تقریباً در تمام طول تاریخ خود این مردمان سرسخت و شجاع ذره‌ای از پایمردی خود نکاسته و تقریباً در کشاکش دائمی برای بقا در میان همسایه‌های کرد و ترک خود بوده‌اند.

این گروه بسته و منزوی که از داشتن متون مقدس خود محروم بوده است، سنت شفاهی (lore) غنی و چندوجهی خود را گسترش داده است که

1. non-dogmatic

ضمن تثبیت سنت مذهبی، در حال‌حاضر تنها منبع معتبر برای تحقیق یزیدی‌ها می‌باشد.^۱ کتب به اصطلاح مقدس یزیدی‌ها به نام کتاب جلو و مصحف رَش (کتاب سیاه) که بعدها تدوین شده‌اند، همچنان مایه‌هایی از مذهب راستین و سنت این قوم را در خود حفظ کرده‌اند.^۲ این متون مختصر که بیشتر حاوی سنت شفاهی مذهبی هستند تا اطلاعاتی درمورد دانش مقدس یزیدی، به تدریج به بخشی از سنت تبدیل شده‌اند و اکنون از سوی خود یزیدی‌ها به عنوان نوشته‌هایی مقدس نگریسته می‌شوند.

مرکز دینی اصلی یزیدی‌ها در دره لالش، ناحیه شیخان (شمال عراق) واقع شده است؛ جایی که پرستشگاه‌های بیشتر قدیسین و چهره‌های مذهبی یزیدی‌ها در آن قرار دارد. اینجا همچنین مرکز آموزشی سنن یزیدی هم محسوب می‌شود. مرکز جلوس رهبر روحانی یزیدی‌ها که با لقب میر شناخته می‌شود، نزدیک روستای بدره است.

دین ویژه یزیدی‌ها یکی از رازآمیزترین پدیده‌های محیط غیرجزمی خاور نزدیک است که خیلی کم مورد مطالعه قرار گرفته است. اما رفته‌رفته طی سه دهه اخیر نظر بسیاری از پژوهشگران مطالعات دینی را به خود جلب کرده است. علی‌رغم اشارات متعدد سیاحان، مسیونرهای مذهبی، افسران نظامی و محققان به وجود این مردم اسرارآمیز و برخی صفات و آداب و رسوم

۱. نگاه کنید به:

V. Arakelova, "On Some Peculiarities of the Yezidi Lore Translation," *Oriental Languages in Translation* (Polish Academy of Sciences, Krakow), 3 (2008): 97-104.

۲. جزئیات بیشتر در:

P.A. Marie, "La découverte récente des deux livres sacrés des Yézîdis", *Anthropos. Internationale Zeitschrift für Völker- und Sprachenkunde* 6 (1911): 1-39; M. Bittner, *Die heilige Bücher der Jeziden oder Teufelsanbeter (kurdisch und arabisch)*, Vienna, 1913.

خاص ایشان، پژوهش‌های بنیادینی درخصوص تاریخ و مذهب یزیدی‌ها کم‌وبیش از حدود دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. ماهیت بسته این اجتماع غریب و دشواری‌ها در تفسیر سنت شفاهی مذهبی آنها — یعنی اولین منبع مطالعه سنن این قوم — هنوز مانعی جدی بر سر راه پژوهشگران این عرصه است. باوجوداین، ترجمه و انتشار جاری دانش شفاهی دینی یزیدی‌ها، تفسیر و حاشیه‌نویسی مناسب در مورد آن — توسط خبرگان سنتی و پژوهشگران امور مربوط به یزیدی‌ها — درک تدریجی ضروریات آموزه دینی پیچیده آنها را میسر ساخته است.

یزیدی‌گری پدیده منحصر به فردی است، یکی از نمونه‌های بارز هویت قومی — مذهبی متمرکز بر دینی معین، دینی که یزیدی‌ها آن را شرف‌الدین می‌نامند (نگاه کنید به: فصل دوم، ذیل عنوان «شرف‌الدین») می‌باشد. ویژگی‌های خاص این نظام مذهبی محدود به التقاط‌گرایی آن نیست — که برخی عناصر آن ریشه در تصوف و تعدادی در شیعه‌گری افراطی دارد و مایه‌هایی از باورهای پیشااسلامی و مکتب گنوسی و سایر سنت‌های به‌جامانده از دنیای باستان را در خود گردآورده است — بلکه جنبه‌های خاصی نیز دارد که منحصر به ایمان یزیدی است و معرفت تعلق پیروانش به ازدیخانا — یعنی خود جامعه غریب و مرموز یزیدی‌ها. در این مورد وقتی بحث به مشخصات جامعه یزیدی در وضعیت فعلی‌اش می‌رسد، کاملاً مجازیم که نه‌تنها به هویت مذهبی یزیدی‌ها بلکه به وحدت و هویت قومی یزیدی تأکید نماییم. به عبارت دیگر یزیدی‌ها بدون تردید قومی مستقل و جدا از کردان می‌باشند هرچند به گویش کرمانجی تکلم می‌نمایند.

تجزیه و تحلیل تاریخی جوامع قومی — مذهبی گوناگون در خاورمیانه و آسیای مرکزی نشان داده است که توسعه آنها مشخصاً بُردار مشخصی دارد:

فهرست

پیش گفتار ۱۳

بخش نخست: خدای یگانه و تثلیث یزیدی

فصل اول: خدای یگانه ۲۳

فصل دوم: ملک طاووس: پیشوای تثلیث ۳۷

پیدایش تصویر طاووس ۶۱

ملک طاووس به عنوان پرندۀ طاووس و دوگانگی کیهانی او ۶۵

ملک طاووس به عنوان فرشتۀ رانده شده ۷۴

شرف الدین ۸۱

ملک طاووس در سنت های دیگر ۸۲

فصل سوم: شیخ عدی ۸۷

شیخ عدی، یک شخصیت تاریخی ۸۷

شیخ عدی در مقام خدا ۹۰

فصل چهارم: سلطان یزید ۱۰۱

بخش دوم: گروه خدایان یزیدی و ویژگی‌های

فصل پنجم: خدایان کهتر، قدیسان و مردان روحانی یزیدی‌ها ۱۱۷

رب النوع آذرخش، رب النوع برق و باد ۱۲۰

شیخ موسه سور (شیخ موس)، رب النوع باد و هوا ۱۳۴

خورشید و ماه، شیخ شمس و فخرالدین ۱۳۷

پیر آ فاط، مادر یزیدی‌ها ۱۵۷

خاتونا فرخا ۱۶۶

شیخ کراس، روح لباس ۱۶۸

ممه شیوان و گاوان زرزان، رب النوع‌های گلّه دام ۱۷۳

«فرشته مهربان» - رب النوع قضیب ۱۷۹

درویش ارض - رب النوع زمین ۱۸۹

شیخ علی شمسان - حامی و محافظ مسافران ۱۹۷

خطاجوت - روح شخم و کشت ۱۹۸

خدانه ماله - روح پشتیبان خانه و خانواده ۱۹۹

پیراستیر - روح رختخواب ۲۰۱

شیخ مند یا پیرمندی گورا - سالار گورها ۲۰۲

خضرنبی (نوی) - رب النوعی جهانشمول ۲۰۵

ابراهیم خلیل - «دوست خدا» ۲۱۰

جن طیار - سالار جن‌ها ۲۱۲

بیرلینان - روح بنایان ۲۱۳

نتیجه‌گیری ۲۱۴

فصل ششم: جلوه‌های طبیعت و اجرام سماوی در سنت یزیدی.....	۲۱۷
حیوانات.....	۲۱۸
گیاهان.....	۲۲۵
اجرام سماوی.....	۲۳۲
فصل هفتم: التقاط‌گرایی (آمیغ‌گرایی) مذهب یزیدی.....	۲۳۹
قیاس با فرقه‌های افراطی شیعه.....	۲۴۰
ریشه‌های گنوسی در یزیدی‌گری.....	۲۴۵
میراث تصوف در سنت یزیدی.....	۲۵۴
نتیجه‌گیری.....	۲۵۸
پیوست.....	۲۶۱
کتاب‌شناسی.....	۲۹۹
نمایه.....	۳۰۹

رانه‌ای برای تقویت هویت قومی.^۱ پویایی توسعه جوامع قومی - مذهبی (از هویت مذهبی به قومی - مذهبی و در نهایت ادعای قومیتی خاص در بستر نوین)، به صورت نقطه عطف این جریان یا دست‌کم به شکل پارادایمی بسیار مهم در توضیح بردار قومی توسعه هر جامعه قومی - مذهبی در بلندمدت ظاهر شده است.

در خوانش ما، گروه قومی - مذهبی در جریان فرآیند تثبیت و توسعه خود از مراحل متعددی گذر می‌کند. پیش از هر چیز، خود را از بستر مذهب پیشین‌اش جدا می‌سازد و «عمود» نوینی را برافراشته می‌کند که حول آن آموزه منحصر به فرد تازه‌ای شکل می‌گیرد. این عمود ویژگی مذهبی بنیادین جامعه جدید را فراهم می‌آورد. بعد مرحله «بستن» جامعه فرامی‌رسد: درواقع، درون‌همسری سفت و سخت تضمینی برای حفظ دانش غریب در داخل همان جامعه می‌شود (تأحدودی، درون‌همسری ناشی از شرایط خصمانه هم هست، مثلاً وقتی که بیگانگان به یک گروه عقاید انحرافی و ارتداد را نسبت می‌دهند). دقیقاً همین درون‌همسری است که جامعه قومی - مذهبی را از بقیه، یعنی بقیه گروه‌های خاص دیگر (فرقه‌های عرفانی و غیره) که فقط با طی مراحل و گذراندن آزمون‌های خاص تشرف به عضویت‌شان درمی‌آیند، متمایز می‌کند. به عبارت دیگر، همین درون‌همسری است که یک گروه قومی - مذهبی، و بنابراین در تحلیل نهایی، بردار قومی توسعه یک جامعه جدید را تعریف می‌کند که به موجب آن مذهب همچنان شاخص اصلی تمایز با دیگران باقی می‌ماند.

۱. نگاه کنید به:

Arakelova, "Ethno-religious Communities: To the Problem of Identity Markers," *Iran and the Caucasus* 14/1 (2010): 1-19; idem and S. Davtian, "Yezidy - vektor etničnosti," *Iran-Namē* (Yerevan), 41 (2009): 75-84.

فرآیند تشکیل یزیدی‌ها به‌عنوان یک گروه قومی — مذهبی جدا در فاصله زمانی بین قرن‌های یازدهم و چهاردهم میلادی در ناحیه سنجار در شمال عراق روی داد. جدایی مذهبی یزیدی‌ها از محیط بومی خود در صحنه هزاررنگ مذهبی میان‌رودان روی داد که در آن افکار و عقاید گوناگون از اسلام و مسیحیت گرفته تا افکار گنوسی و باورهای محلی با هم گره خورده و در هم آمیخته شده‌اند. در محیط به‌شدت بسته سلسله تصوف عدیویه که هسته جامعه جدید را تشکیل می‌داد، اساساً آموزه مذهبی منحصر به فرد تازه‌ای شکل گرفت و گسترش یافت که در کمال تعجب فاقد اصل جزمی (dogma) مشترک به معنای دقیق کلمه بود. با نگره داشتن برخی اصول اسلامی تصوف، یزیدی‌ها عناصر متفاوت و حتی متناقض بسیاری از جریان‌های مذهبی منطقه مورد سکونت خود را وارد آیین‌شان نمودند. آنها با افکار حاشیه‌ای متعدد موجود در محیط غنی از تعالیم ارتدادی خود که از مرکز ثقل راست‌گیشی بسی فاصله داشت، سیراب شدند. با این حال، برخی عناصر یزیدی‌گری به‌شدت خاص این مذهب است، حتی در کل منطقه هم منحصر به فرد است، به‌طوری‌که به‌سختی می‌توان طنینی از آنها را در آموزه‌های دیگر پیدا کرد (حتی اگر شباهت‌های سنخ‌شناختی^۱ هم در دست باشند). در واقع، معلوم می‌شود که این ویژگی‌های خاص در ایدئولوژی مذهبی یزیدی‌ها نقش بنیادین ایفا می‌کنند و شاخص‌های اصلی خودآگاهی محسوب می‌شوند، به‌طوری‌که یزیدی‌ها و مفاهیم یزیدی‌گری را آن‌طور که در مجموعه درهمی از وجه تمایزات مشاهده می‌شود، تعریف می‌کنند.

در کتاب حاضر منحصرأ به اصول بنیادین هویت یزیدی، یعنی دین‌شان

1. typological parallels

یا به‌طور دقیق‌تر حلقهٔ خدایان (پانتئون) مردم یزیدی در ابعاد مختلف آن، می‌پردازیم. ایدهٔ یک خدا و تجلی‌های گوناگون او، ربانیت یزیدی‌ها، قدیسان، متولیان مقدس، شخصیت‌های روحانی هدف بلندمدت ما در این کتاب هستند. قصد نداریم که فقط تصویری از شخصیت‌های این حلقهٔ خدایان را ارائه دهیم، بلکه می‌کوشیم حوزه‌های نفوذ، خویشکاری‌ها (عملکردها) و ویژگی‌های خاص آنها را تعیین و معرفی کنیم، تبارشناسی آنها را در اعماق تاریخ دنبال نماییم، و به‌طور خلاصه جایگاه آنها در نظام ایمان یزیدی را مشخص کنیم. برخی بخش‌های این کتاب قبلاً در قالب مقاله‌هایی منتشر شده است، اما ضرورت مبرم منبع جامع و یک‌دستی در مورد خدایان و شخصیت‌های مذهبی یزیدی در قالب کتابی مانند این از دیرباز کاملاً احساس می‌شد. درحالی‌که اغلب مقالات و پژوهش‌های مربوطه به مسائل و مشکلات تاریخ و نگاره‌شناسی^۱ یزیدی‌ها (مثلاً کاری که بیرگل آچیکیلدیز^۲ انجام داد)، بقای آنها در میان مردمان متخاصم با ایشان (آثار آلفونس مینگانا^۳ در ابتدای قرن بیستم، و جان گست و اِشتر اِشپت^۴ بعدها)، و جنبه‌های عمومی مذهب آنها برحسب مراسم و آیین‌ها و نیز سنت مکتوب آنها در ثبت متون مقدس (اتل دروئر، جوزپه فورلانی، فیلیپ کرین‌بروک^۵ و دیگران) اختصاص داده شده است ما درعوض سعی کرده‌ایم فضایی را کشف کنیم که اغلب محققان دیگر نادیده گرفته‌اند: کندوکاو مفاهیم الوهیت

1. iconography

2. Birgül Açıkyıldız

۳. Alphonse Mingana: متخصص الهیات، مورخ، شرق‌شناس، سریانی‌پژوه آشوری‌تبار اهل عراق بود (۱۸۷۸-۱۹۳۷). او بیشتر به خاطر جمع‌آوری مجموعهٔ مینگانا مشهور است.

4. John Guest و Eszter Spät

5. Lady Ethel Drower, Giuseppe Furlani, Philip Kreyenbroek

یزیدی در پرتو تحلیل تطبیقی ادیان. در ضمن در این کتاب عبارت حلقه خدایان (پانتئون) یک اصطلاح شرطی است.

این اثر به‌مثابه یک پژوهش اصیل و دست‌اول اساساً بر پایه متون یزیدی و منابع جمع‌آوری شده توسط نگارندگان هنگام فعالیت میدانی‌شان در جوامع یزیدی‌نشین ارمنستان، گرجستان، روسیه و ترکیه در طول ۱۴ سال اخیر شکل گرفته است. درواقع، آنچه در ادامه می‌آید، متون کلیدی یزیدی‌ها در مورد دنیای معنوی و جهان‌بینی‌شان هست که برای اولین بار به خط و زبان انگلیسی [و در اینجا، به فارسی] برگردانده می‌شوند. ایده تهیه این کتاب و نیز ویرایش آن به همراه توصیه‌ها و بازبینی‌های بعدالتحریر، همگی متعلق به دوست‌مان پرفسور گری ترامپف (استاد تاریخ ادیان در دانشگاه سیدنی، استرالیا) است. مؤلفان صمیمانه‌ترین سپاس‌های خود را نثار ایشان می‌کنند. اگر روح پژوهندگی، دلگرمی‌ها و راهنمایی‌های گری نمی‌بود، انجام این مهم هرگز امکان‌پذیر نمی‌شد؛ پس به رسم یزیدی‌ها می‌گوییم: خوه ده مه بی^۲ ته نه که، گه ری،^۳ (خدا تو را حفظ کند، گری).

گارنیک آساطوریان و ویکتوریا آراکلوا^۱

بخش نخست

خدای یگانه و تثلیث یزیدی

فصل اول

خدای یگانه

اگرچه در متون ذی ربط یزیدی‌ها را غالباً پیروان یک آیین چندخدایی و بنابراین پرستندگان خداهای متعدد با درجات اهمیت متفاوت معرفی می‌کنند، نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این دیدگاه به یک بازبینی اساسی نیاز دارد. با چنین رویکرد سطحی می‌شود برخی عناصر چندخدایی را حتی در مذاهب بی‌شک یکتاپرست هم مشاهده کرد. برای مثال، مسلمانان به اشتباه مفهوم تثلیث در مسیحیت (پدر، پسر، روح القدس) را نشانه چندخدایی در مسیحیت می‌بینند و یا احترام ویژه به قبور شیوخ و بزرگان دینی و قدیسان را با دیدگاه ساده می‌توان عناصر شرکی قلمداد کرد که البته درست نیست.

چندگانگی در تفکر مذهبی یزیدی، یا به عبارتی، بازنمایی مثله موجودیت و جوهر الهی چیزی نیست جز شخصیت‌بخشیدن به خویشکاری‌های متعدد خدا که در شکل خالص خود هیچ ربطی به چندخدایی ندارد و ماهیت ضروری آن — حتی در حضور الوهیت آشکارا اساسی در نظام چندخدایی — تغییر نمی‌کند. بااینکه این الوهیت اساسی در نظام چندخدایی

در مقایسه با نظام‌های دیگر قدرت بیشتری پیدا می‌کند (صفات بزرگ‌تر، عملکردهای بیشتر و غیره) اما به‌هر حال «امر مطلق» نیست که مشخصه اصلی توحید است. بنابراین، ضروری است که مشخصاً بین بازنمایی مثله‌ی‌یزیدی‌ها از الوهیت (با استفاده از فضاهاى مختلف برای تجلی آن و حتی تحت عناوین مختلف) که به یک آیین تشرف واحد فروکاسته شده است، و چندخدایی‌ای که مشخصه آن بازنمایی پراکنده الوهیت است، تمایز قائل شویم.

در یکتاپرستی کلاسیک، جوهر الوهیت در تجلی خود به هیچ طریقی، حتی ذره‌ای نقش، عملکرد یا قدرت خداوند را (به‌عنوان تنها منبع فیض الهی و الوهیت به مفهوم تام کلمه) از دست نمی‌دهد، بلکه در عوض کیفیت آن را در خلال جوهرهای مختلف بروز می‌دهد. از این‌منظر، حتی دین زرتشت را هم که اغلب به‌عنوان یک مذهب ثنویت‌گرا معرفی می‌شود، با تردید می‌توان چنین مذهبی محسوب کرد. درواقع، علی‌رغم وجود حلقه‌ی کاملی از خدایان به‌طورکلی، اهورا مزدا معمولاً خدای خدایان و خالق جهان هستی محسوب می‌شود.^۱

در مذهب باستانی ایرانی، خدا تحت عنوان *-baga** آمده است (مقایسه

۱. در پارسی باستان:

baga vazarka Auramazdā haya imām būmim adā haya avam asmānam adā haya martiyam adā haya šiyātim adā martiyahyā

خدای بزرگ اهورا مزداست که زمین را آفرید، و آسمان را آفرید و انسان را آفرید، و شادمانی را برای انسان آفرید (سنگ‌نبشته نقش‌رستم، کتیبه ۱۶؛ نگاه کنید به: آر. جی. کنت، دستور زبان پارسی باستانی، نیوهیون، ۱۹۵۳، صص. ۸-۱۳۸). همچنین:

Auramazdā бага vazarka haya maθišta bagānām

اهورامزدا، خداوند بزرگ، آنکه مهتر خدایان است. (آرشم) همدان، سنگ‌نبشته ۵-۷؛ کنت، ص. ۱۱۶).

شود در فارسی باستان *baga-* یعنی خدا، در اوستایی *baga-* به معنی ثروت سرشار، بخت و اقبال، و در زبان سغدی (*baγ*). این لقب اشاره به یک خدای واحد دارد (نه خدای برتر)، درست برخلاف واژه **yazata-* (اوستایی-*yazata*؛ پارسی میانه: *yazat*؛ پارسی معاصر: ایزد؛ تحت‌اللفظی یعنی موجودی که شایسته پرستش است یا لیاقت دارد که به پیشگاهش قربانی نثار دهند)، چه رسد به *-bāga*، این مفهوم هم به معنای بخشاینده (برکت) است؛ مقایسه کنید با *-bhāga* در سنسکریت. لقب دیگری که در ایران باستان به خدای برتر داده می‌شد *dātār* بود، یعنی خالق (در پارسی معاصر: دادار). در زمان حاضر عنوان عمومی پروردگار در پارسی و بیشتر گویش‌های ایران امروزی خدا است که از ایرانی قدیم **xwa-tāwan* گرفته شده است و در لغت به معنای خودکامه یا تک‌سالار است و اساساً همین واژه به شکل *xwadē* در میان یزیدی‌ها به عنوان خدای یگانه محسوب می‌شود و موضوع بحث این کتاب قرار گرفته است.^۱

در ارتباط با انگرامینو یا اهریمن در مذهب زرتشت، باید گفت که او تنها تجلی شر و نیروی نابودگر است و تا حدودی همتای شیطان محسوب می‌شود، هرچند که در مقایسه با شیطان مسیحیت از صفات برجسته بیشتری برخوردار است، زیرا او خود نگارنده بخشی از کتاب آفرینش است و دشمن اهورامزدا و آفرینشگری او. باین‌حال، دین کلاسیک ایرانی، که هیچ‌گاه حتی بعد از زرتشت هم آشکارا یکتاپرست نبود، در رویکردش نسبت به یکتاپرستی

۱. در پارسی میانه و نوین (*xvatāy/xudāy*) این اصطلاح طیف گسترده‌ای از معانی را دربرمی‌گیرد. نیای پارسی میانه این واژه یعنی *xutāy* همچنان معنای ارباب می‌دهد، اما بعدها بیشتر در معنای پروردگار به کار گرفته شد. برای بحث مفصل‌تر در این خصوص نگاه کنید به:

C. Bartholomae, *Zur Kenntnis der mittelpersischen Mundarten III*, Heidelberg, 1920.

گرایش داشت که تجلی‌های مختلفی از این ایده را بروز دهد: با یک خدا که اهورامزداست و بر سایر خدایان کهتر سروری دارد. این وضعیت حتی وقتی که برتری اهورامزدا توسط زروان یا میترا به چالش گرفته می‌شود، تغییر پیدا نمی‌کند. درواقع، ثنویتی تمام‌عیار که در آن یک خدا و یک نیروی شر همتراز در نبرد بی‌پایان و با نتیجه‌ای غیرقابل پیش‌بینی درگیرند، هرگز در ایران دیده نشده‌اند؛ گرچه مانوی‌ها از مذهب زرتشتی استفاده کردند تا به ثنویت محکم‌تر و قاطع‌تری دست یابند بیش از آنکه در دین اصیل ایرانی وجود داشته است.^۱ برخی از دانشمندانی که در مورد دین زرتشت پژوهش کرده‌اند، الهیات آن را یکتاپرستانه می‌دانند، در حالی که فلسفه نظری این مذهب را ثنوی گرا معرفی کرده‌اند.^۲

درعین‌حال، حتی مذهب کلاسیک یونان که در آن چندخدایی بی‌چون‌وچرا امری تثبیت‌شده است، تمایلات یکتاپرستانه در ریشه‌های خود دارد. چنان‌که یکی از معروف‌ترین متخصصان مذهب یونان باستان اشاره

۱. «دین ایرانی هیچ‌گاه مثل یهودیت، مسیحیت و اسلام بی‌چون‌وچرا یکتاپرست نبوده است. اما در برخی منابع مشاهده می‌کنیم که تلاش‌هایی را در جهت یکتاپرستی نشان داده است؛ با یک خدا به نام اهورامزدا (بعدها اورمزد) که مهتر تعدادی موجودیت‌های کهتر و انتزاعی است. در برخی منابع دیگر، خدایان دیگری هم مشاهده می‌شوند که رابطه‌شان با خدای اصلی همیشه مشخص و روشن نیست. آنها را می‌توان هم‌ارز با قدیسان کلیسای کاتولیک رم یا اسلام در نظر گرفت؛ یا مثلاً در مورد میترا و زروان می‌توانند رقیب اهورامزدا تلقی شوند که می‌خواهند جایگاه برتر او را تصاحب کنند یا شاید هم صرفاً خدایان دیگری هستند در کنار اهورامزدا.»

J. Duchesne-Guillemin, "The Religion of Ancient Iran." In *Historia Religionum* (eds. C. Bleeker and G. Widengren), Leiden, 1969, p. 323, see also p. 324.

۲. نگاه کنید به:

W. Jackson, *Zoroastrian Studies*, New York, 1982, p. 33, cf. also pp. 28, 32.

کرده است: ^۱ «یکتاپرستی در یونان ریشه‌ای قدیمی دارد.» ^۲ این بدان معنی نیست که ما باید ماهیت چندخدایی آن را به‌طور کلی نادیده بگیریم. زیرا اگر بنا باشد که با استیلای واقعی ذهنیت مذهبی روبه‌رو شویم و فریب ایده‌های خاصی را نخوریم که اجازه پیدا کردند در بطن یک نظام مشترک حضور داشته باشند، مذهب یونانی پیشامسیحی یا کافرکیشی دربردارندهٔ خدایان و موجودیت‌های فراطبیعی متعدد است. در هر صورت، وقتی بخواهیم مذهب خاصی را از بقیه متمایز کنیم، مخصوصاً مذهب منحصر به فرد و آمیخته‌ای مثل یزیدی‌گرایی را، ضرورت دارد که کل ساختار پیچیدهٔ آن را بدون تکیهٔ صرف بر تجلی بیرونی امر استعلایی آن در نظام جزم‌های مذهبی، در نظر بگیریم.

تحلیل دقیق تثلیث مقدس یزیدی نشان می‌دهد که سه عضو آن، یعنی ملک‌طاوس، شیخ‌عدی و سلطان‌یزید، تجلی آشکار یک خدای واحد هستند که مورد پرستش پیروان است. در ارائهٔ این حکم، نبود متون جزمی دینی قطعاً انتخابی برای ما به جا نمی‌گذارد جز اینکه به سنت شفاهی یزیدی‌ها تکیه کنیم، با این حال، متون مذهبی فولکلور به‌ویژه وقتی مورد تحلیل گسترده‌تر قرار می‌گیرند، منابع کافی برای نیازهای پژوهشی فراهم می‌کنند. برای مثال، یکتاپرستی یزیدی‌ها در دعای زیر دیده می‌شود که نماد ایمان‌شان است و به نام شهادت دینی ^۳ که همانا مانند تشهد یا شهادتین در اسلام است شناخته می‌شود:

Šahdā dīnē min ēk Allāh...

1. Der monotheistische Gedanke war alt in Griechenland.

2 M.P. Nilsson, *Geschichte der griechischen Religion*, Munich, 1961, pp. 569-77.

3. *Šahdā dīnē*.

Silt'ān Šēxadī pādšē mina... ,

Silt'ān Ēzdī pādšē mina...,

Tāwūsī malak šahdā ū īmānēd mina...

Haqa, xwadē kir, [am] ēzdīna,

Sar nāvē Silt'ān Ēzdīna.

Al-h'amd lillāh, am zi ōl ū tarīqēd xō di-řāzīnā.

گواه ایمان من یک الله است

سلطان شیخ‌عدی، پادشاه من است

سلطان یزید پادشاه من است

ملک طاووس ایمان من و شاهد ایمان من است

حقا که به خواست خدا، یزیدی هستیم

ما را به نام سلطان یزید می‌خوانند

الحمد لله، خشنودیم به طریقت و جامعه‌مان^۱

در مورد خدایان کهتر یزیدی‌ها، موجودات فراطبیعی، دیوها و غیره باید گفت که حضورشان دلیلی نیست که صحبت از چندخدایی کنیم، زیرا شخصیت‌های مشابه (دقیقاً همتای نمونه‌های یزیدی) در میان بسیاری از جوامع مسیحی و مردمان مسلمان در سطحی که به نام فرهنگ عامه مسیحی یا اسلامی شناخته شده است، مشاهده می‌شوند.

تثلیث یزیدی عبارت است از: ملک طاووس (در تصور یزیدی‌ها به‌صورت یک پرنده مثل طاووس یا یک خروس و حتی گاهی اوقات فاخته

1. P.G. Kreyenbroek, *Yezidism: Its Background, Observances and Textual Tradition*, New York, 1995, p. 226.

جلوه می‌کند؛ شیخ عدی (شیخ عدی بن مسافر الاموی یک شخصیت تاریخی و مؤسس جامعه پیشایزدی، به شکل یک پیرمرد و سلطان یزید (به شکل جوانی). هر سه شخصیت تجلی خداوند هستند: xwadē (یا xwādā, xudā, اصطلاحی که از پارسی معاصر xudāy مشتق شده است). کلمات دیگری نیز برای اشاره به خدا وجود دارد: خداوند، خالق، ربّی و الله (که بیشتر در کشورهای عرب‌زبان به کار می‌رود)؛ در برخی سرودهای مذهبی به واژهٔ ēzdān برمی‌خوریم که از واژهٔ پارسی یزدان مشتق شده است؛ و یا اصطلاحات میرمه‌زن «امیر بزرگ» (بینا یا چه وا) «نور چشمان» را می‌بینیم که معنی خدا را می‌رسانند. در بعضی از موارد حتی شاه و پادشاه هم کنایه از خدا می‌باشند.

تفکر یزیدی‌ها در مورد خدا (xwadē) کاملاً مبهم و شبهه‌انگیز است و تنها با دشواری زیاد می‌توان آن را مورد پردازش نظام‌مند قرار داد. خدای یزیدی نه شبیه زئوس است (پدر انسانی‌شدهٔ خدایان یونانی) و نه شبیه یهوه (خدای قدرتمند و حسود یهودیت). خدای یزیدی اندکی یادآور خداوند متعال (الله) در اسلام یا خدای بخشنده و مهربان مسیحیت است. مهم‌ترین چیزی که او را معادل خدای یگانهٔ مذاهب ابراهیمی می‌گرداند و آنچه واقعاً در مورد آن ضروری است، موقعیت استعلایی او و نقش او به‌عنوان خالق و جهان‌آفرین است. با این حال، طبق سنت یزیدی، xwadē (یعنی خدا) علی‌رغم اینکه خالق جهان هستی است، کاملاً نسبت به سرنوشت آن بی‌تفاوت است؛ او هیچ اهمیتی به امور دنیوی یا سرنوشت انسان نمی‌دهد.

تصادفی نیست که در مناسک مذهبی یزیدی‌ها و نیز در سنت شفاهی آنها، اشارهٔ مستقیم به خدا تنها در موارد بسیار نادری صورت می‌گیرد و هیچ قربانی یا پیشکشی به پیشگاه او تقدیم نمی‌شود. با این حال، دست‌کم یک

نمونه در متون شفاهی یزیدی وجود دارد که مستقیماً وقف خدا شده است و بیشتر ستایش محسوب می‌شود. این متن «مدح‌خوده» یعنی مدح خدا نامیده می‌شود:^۱

Yā, řabīō, tu dāymī,
Tu k'arīmī,
Tu řāh'īmī,
Tu qadīmī,
Tu xudāye har xudāyī,
Xudāye milk-ē k'arīmī,
Tu xudāne a'ršē a'zīmī (a'zmānī),
A'nzaldā dānī qadīmī,
Har xudāyē har xudāyī.
Hin mak'āyī (mak'ānī), hin mařāyī (mařālī).
Tu xudāyē in ū isī (insī)
Xudāyē a'rš ū k'ursī.
Tu xudāyē 'ālam ū qusī ('ālamī qudsī),
Har xudāyē har xudāyī.
Hin mak'āyī, hin mařāyī,
Kas nizāna tu čāwāyī,
Har xudāne har xudāyī...
Ta na māla, ta na p'arda,

1. O. and C. Celil, *Zargotina k'urda*, Yerevan, 1978 edn., pp. 323-4.

Ta na lawma (lawna), ta na ranga,

Ta na āwāza, ta na danga,

Kas nizāna tu čāwānī,

Har xudāyē har xudāyī.

Walīyē farz ū nimēžānī...

Řuh 'ā didī, ruh 'ā diparēžī.

H'ākīmē šāh ū gadānī,

H'ākīmē ĵimh'ī 'ālamī .

Ta dīhār kir Īsā ū Maryam,

Ta am kirin tazbatī Ādam.

Har xudāyē har xudāyī...

یا ربی، تو دائمی (ابدی هستی)

تو کریمی

تو رحیمی

تو قدیمی

هر خدایی را خدایی

خدای ملک کریمی

تو خدای عرش آسمانی

از ازل قدیمی

هر خدایی را خدایی

هم مکانی هم مجالی

تو خدای جن و انسی

خدای عرش و فرشی

تو خدای عالم قدسی
 هر خدایی را خدایی
 هم مکانی هم مجالی
 کس نمی‌داند تو چیستی
 هر خدایی را خدایی
 نه مکان داری و نه سرپناهی
 نه لونی، و نه رنگی
 نه آوازی، نه دنگی
 کس نمی‌داند تو چیستی
 هر خدایی را خدایی
 والی فرض و نمازگزاری
 روح می‌دهی و روح می‌ستانی
 حاکم شاه و گدایی
 حاکم جمع عالمی
 خالق عیسی و مریمی
 تو ما را ز بطن آدم آفریدی^۱
 هر خدایی را خدایی

۱. اشاره‌ای به خلقت یزیدی‌ها از تخم آدم. نگاه کنید به:

G.S. Asatrian, "Foremother of the Yezidis," *Religious Texts in Iranian Languages*, Copenhagen, 2007, pp. 323-28

همچنین برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به:

E. Spät, "Shahid bin Jarr, Forefather of the Yezidis and the Gnostic Seed of Seth," *Iran and the Caucasus* 6, 1-2 (2002): 27-56.

همچنین نگاه کنید شرح این داستان را در این کتاب (فصل ۲).